

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دعا در تعقیبات نماز

چهارمین مورد که در بحث تعقیبات به آن اشاره می‌کنیم، دعا است.

فضیلت دعا کردن در پی نماز

احادیثی داریم که نشان می‌دهد در تعقیبات نماز، فضیلت خواندن دعا هم از تلاوت قرآن بیشتر است، هم از خواندن نمازهای نافله.

خدا توفیق داد بحث دعا را هم در کتاب ره‌توشه‌ی دیدار مفصل برای شما نوشته‌ام و هم یک مبحث کتاب طبیب‌عشق دعاست؛ که ان‌شاءالله مراجعه می‌فرمایید و به بحث‌هایی که آنجا گفته شده است، با دقت توجه می‌کنید که با اجازه‌تان آنها را تکرار نکنم.^۱

ابتدا روایاتی را بخوانم که نشان می‌دهند در تعقیبات نماز، دعا از تلاوت قرآن و خواندن نمازهای نافله افضل است.

اولین روایت از امام کاظم علیه السلام است. حضرت فرمودند: «الدُّعَاءُ أَفْضَلُ مِنْ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ»^۲ فضیلت دعا از قرائت قرآن بیشتر است.

دومین حدیث از امام صادق علیه السلام است: «أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ رَجُلَيْنِ دَخَلَا الْمَسْجِدَ فِي وَفْتٍ وَاحِدٍ وَ افْتَتَحَا الصَّلَاةَ فِي وَفْتٍ وَاحِدٍ وَ كَانَ دُعَاءُ أَحَدِهِمَا أَكْثَرَ وَ كَانَ قُرْآنُ الْآخَرِ أَكْثَرَ؛ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟» از امام صادق علیه السلام

۱. مهدی طبیب، ره‌توشه‌ی دیدار، ص ۲۲۷ - ۲۹۰ و طبیب‌عشق، ص ۱۱۳ - ۱۳۸ و آدرس لینک در سایت اهل‌ولاء، سخنان استاد، مباحث -

عرفانی، دعا و بازخوانی و شرح مختصر کتاب مصباح‌الهدی (۱)، ترک سؤال (دعا و رضا).

۲. مجلسی، بحار، ج ۹۰، ص ۲۹۲ و محدث‌نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۳ و طبرسی، مکارم‌الاخلاق، ص ۳۸۹.

سؤال شد که دو نفر همزمان وارد مسجد می‌شوند؛ همزمان نمازشان را شروع می‌کنند و در پایان آن مشغول تعقیبات می‌شوند؛ اما یکی از این دو نفر دعای بیشتری می‌کند و دیگری قرآن بیشتری تلاوت می‌کند. کدام یک از این دو نفر افضلند؟ «قَالَ: كُلُّ فِيهِ فَضْلٌ وَ كُلُّ حَسَنٌ» امام صادق علیه السلام فرمودند: در هر دوی اینها فضیلت است و هر دوی اینها بسیار خوب است. «قِيلَ: قَدْ عَلِمْنَا ذَلِكَ وَ لَكِنَّا أَرَدْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ» راوی زرنگ بود. عرض کرد می‌دانیم هر دوی اینها (هم قرآن خواندن و هم دعا کردن) فضیلت دارد؛ ولی ما می‌خواستیم متوجه شویم بین این دو کدام افضل است. «قَالَ علیه السلام: الدَّعَاءُ أَفْضَلُ» امام صادق علیه السلام فرمودند: فضیلت دعا بیشتر است. «أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ: "أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ"^۳ آیا این سخن خدای عزوجل را در قرآن نشنیده‌ای که می‌فرماید مرا بخوانید تا من شما را اجابت کنم. کسانی که از عبادت من استکبار بورزند، با خواری وارد دوزخ می‌شوند.

دعا در این آیه عبادت شمرده شد. فرمود دعا کنید و مرا بخوانید تا اجابت کنم؛ بعد فرمود کسانی که از عبادت من استکبار می‌ورزند با خواری وارد دوزخ می‌شوند؛ پس دعا کردن عبادت است.

حضرت این آیه را خواندند، سپس فرمودند: «هِيَ وَ اللَّهُ أَفْضَلُ؛ هِيَ وَ اللَّهُ أَفْضَلُ؛ هِيَ وَ اللَّهُ أَفْضَلُ». امام معصوم علیه السلام برای اثبات درستی حرف خود نیازی به قسم خوردن ندارد؛ آن هم قسم جلاله و آن هم سه‌بار تکرار کردن! فرمودند به خدا سوگند دعا افضل است! به

^۳. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

خدا سوگند در تعقیبات، دعا افضل از قرآن خواندن است! به خدا سوگند دعا افضل است! بعد فرمودند: «أَلَيْسَتْ هِيَ الْعِبَادَةُ» آیا به موجب این آیه دعا عبادت نیست؟ «هِيَ وَاللَّهِ الْعِبَادَةُ؛ هِيَ وَاللَّهِ الْعِبَادَةُ؛ هِيَ وَاللَّهِ الْعِبَادَةُ» به خدا سوگند دعا عبادت است! به خدا سوگند دعا عبادت است! به خدا سوگند دعا عبادت است! «هِيَ وَاللَّهِ أَشَدُّ؛ هِيَ وَاللَّهِ أَشَدُّ؛ هِيَ وَاللَّهِ أَشَدُّ» آیا دعا کردن قوی تر و شدیدتر نیست؟ «هِيَ وَاللَّهِ أَشَدُّ؛ هِيَ وَاللَّهِ أَشَدُّ؛ هِيَ وَاللَّهِ أَشَدُّ»^۴ به خدا سوگند دعا خیلی قوی تر است! سه بار تکرار فرمودند.

این روایت هم نشان می دهد که در تعقیبات، دعا افضل از قرآن خواندن است.

روایت دیگر باز از امام صادق علیه السلام است. «أَنَّه سَأَلَهُ عَنْ رَجُلَيْنِ قَامَ أَحَدُهُمَا يُصَلِّي حَتَّى أَصْبَحَ وَالْآخَرُ جَالِسٌ يَدْعُو؛ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ؟» از امام صادق علیه السلام سؤال کردند که دو نفرند. یکی از آنها شب را تا به صبح یک بند نماز می خواند، تا فجر طالع شود؛ دومی سر جای خود می نشیند و شب تا به صبح دعا می کند؛ کدام یک از این دو افضل اند؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: «قَالَ الدُّعَاءُ أَفْضَلُ»^۵ فضیلت دعا بیشتر است. پس فضیلت دعا از نماز مستحبی هم بیشتر است.

روایت دوم از امام باقر علیه السلام در مورد مقایسه ی نماز نافله و دعا. امام باقر علیه السلام فرمودند: «الدُّعَاءُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ تَتَقَلًّا»^۶ بعد از نماز واجب، دعا کردن، از نماز مستحبی و نافله خواندن فضیلت بیشتری دارد.

^۴ ابن حیون، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۶ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۳۲۶ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۲.

^۵ حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۳۷ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۳۱ و فیض کاشانی، وافی، ج ۹، ص ۱۴۷۱.

^۶ کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۴۲ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۳۷ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۰۳.

البته این روایات بدان معنا نیست که ما نافله یا تلاوت قرآن را ترک کنیم. در ادامه‌ی تعقیبات خواهیم گفت هردوی اینها فضیلت فوق‌العاده‌ای دارد؛ ولی در مقام مقایسه، اگر انسان وقت تنگی دارد و به یکی از این دو محدود است، دعا افضل است.

در تعقیبات نماز، دعا هم از قرائت و تلاوت قرآن و هم از خواندن نافله‌ها افضل است.

روایاتی داریم که در آنها تأکید شده است حتماً پس از نماز دعا کنید. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «مَنْ آذَى لِلَّهِ مَكْتُوبَةً» کسی که برای خدا نماز واجب را به‌جا آورد؛ «فَلَهُ فِي آثَرِهَا دَعْوَةٌ مُسْتَجَابَةٌ»^۷ در پی آن نماز واجب، خدا یک دعای مستجاب برای او مقرر کرده است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «ثَلَاثٌ أَوْقَاتٍ لَا يُجِبُّ فِيهَا الدُّعَاءُ عَنِ اللَّهِ تَعَالَى» سه هنگام و وقت است که دعا از خدای متعال محجوب نمی‌ماند. آن سه وقت چه زمان‌هایی است؟ فرمودند: «فِي آثَرِ الْمَكْتُوبَةِ» اولین وقت، دعا به‌دنبال نماز واجب است. دعایی که فرد در این هنگام می‌کند، محجوب نمی‌ماند؛ بلکه بالا می‌رود و به پیشگاه خدا می‌رسد. «وَ عِنْدَ نَزُولِ الْمَطَرِ» هنگام فرود آمدن باران هم زمان استجاب دعاست و در آن هنگام دعا به محضر الهی راه پیدا می‌کند. «وَ ظُهُورِ آيَةِ مُعْجَزَةِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ [فِي خَلْقِهِ]»^۸ سوم هم هنگامی است که یک نشانه و آیه‌ی معجزه‌آمیزی از خدای متعال در روی زمین یا در بین مردم آشکار می‌شود و ظهور می‌کند. بنابراین اولین مورد، که نشان می‌دهد مهمترین مورد بوده که اول بیان شده

^۷ حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۴۳۲ و مجلسی، بحار، ج ۸۳، ص ۲۱۸ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۱۳۶.

^۸ حرّ عاملی، هدایة‌الامة، ج ۳، ص ۱۱۱.

^۹ مجلسی، بحار، ج ۹۰، ص ۳۴۷ و حرّ عاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۶۶ و طوسی، امالی، ص ۷۸۰.

است، دعا در پی نماز واجب است که حتماً به محضر الهی راه پیدا می‌کند و محبوب نمی‌ماند.

اما این حدیث نسبت به ترک دعا بعد از نماز مقداری لحن تهدیدآمیز دارد. پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: «إِذَا فَرَعَ الْعَبْدُ مِنَ الصَّلَاةِ» هنگامی که بنده از نماز فارغ شد و نمازش را خواند؛ «وَلَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَى حَاجَتَهُ» اما پس از نماز هیچ حاجتی را از خدای متعال درخواست نکرد؛ «يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ» خدای متعال به ملائکه‌ی خویش می‌فرماید: «أَنْظُرُوا إِلَى عَبْدِي» به بنده‌ی من نگاه کنید. «فَقَدْ آذَى فَرِيضَتِي وَ لَمْ يَسْأَلْ حَاجَتَهُ مِنِّي؛ كَأَنَّهُ قَدْ اسْتَغْنَى عَنِّي» این بنده‌ی من نماز خود را به جا آورد؛ اما بعد از نماز، حاجتش را از من درخواست نکرد. گویا خود را از من بی‌نیاز می‌بیند. «خُذُوا صَلَاتَهُ فَاصْرِبُوا بِهَا وَجْهَهُ.» نماز او را بگیرید و به صورتش بزنید. من چنین نمازی را نمی‌پذیرم؛ یعنی نمازی را که بوی بی‌نیازی از خدا می‌دهد. بنابراین دعا کردن ابراز نیاز است. همان‌طور که عرض شد، در کتاب‌های طبیب‌عشق و ره‌توشه‌ی دیدار راجع به بحث دعا، مفصل به جنبه‌های متنوع، مهم و ظریفی اشاره کرده‌ام، که یک بُعد آن، این است که اصلاً دعای اولیای بزرگ خدا نوعی اظهار عجز، فقر، نیستی، کاستی، جهل و امثال اینها در برابر خدای عظیم قدیر غنی جواد کریم است. خود این یک عبادت بسیار برجسته و بزرگ است؛ یعنی نفس اینکه خدایا! من فقیرم، تو غنی‌یی؛ من جاهلم، تو عالمی؛ من ضعیفم، تو قوی‌یی؛ من مملوکم، تو مالکی؛ من مخلوقم، تو خالق؛ دعا ابراز اینهاست. یک بُعد دعا همین ابراز حاجت، نیازمندی و اظهار فقر، عبودیت، بندگی و تهی‌دستی در پیشگاه خدا است؛ لذا نمازی که در آن این روحیه نیست و در پی آن نماز، در بنده‌ای که نماز گزارده است چنین روحیه‌ای

ظهور نمی‌کند، ارزشی نداشته است و خدای متعال می‌گوید: نماز او را بگیری و به صورت خودش بزنی. من که نیازمند به نماز او نبودم؛ او باید بهره می‌برد و این روحیه‌ی زیبا و عظیم را از نماز کسب می‌کرد و بعد از نماز خود، اظهار خضوع، بندگی و نیازمندی به پیشگاه من می‌کرد. گویا این فرد در برابر من احساس استغنا می‌کند. این نماز به چه درد می‌خورد؟ این نماز بدون دعا را به خودش برگردانید.

اسرار و آداب دعا در کتاب مصباح الشریعه

همان‌طور که عرض کردم، در آن کتاب‌ها نکات ظریفی را در بحث دعا اشاره کرده‌ام؛ منتهی به ذهنم آمد بابتی از ابواب کتاب مصباح الشریعه منسوب به امام صادق علیه السلام را که در زمینه‌ی دعاست، برایتان بخوانم. دعاهایی که می‌خواهیم بعد از نماز بخوانیم که به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد و بسیار متنوع است و هرکس به تناسب حال خود باید دعای مناسب خویش را برگزیند و آن دعا را در تعقیبات نماز بخواند؛ حالی که باید در خواندن دعا باشد و ادبی که باید وجود داشته باشد را از این باب کتاب مصباح الشریعه‌ی منسوب به امام صادق علیه السلام برایتان می‌خوانم.

«قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ» امام صادق علیه السلام فرمودند: «**أَحْفَظُ آدَبِ الدُّعَاءِ**» ادب دعا را مراعات کن. «**وَ** **انْظُرْ مَنْ تَدْعُو**» دقت کن؛ ببین چه کسی را صدا می‌زنی و می‌خوانی. «**كَيْفَ تَدْعُو**» چگونه او را صدا می‌زنی «**وَ لَإِذَا تَدْعُو**» دقت کن ببین برای چه او را صدا می‌زنی و برای چه دعا می‌کنی؟ «**وَ حَقُّ عَظْمَةِ اللَّهِ وَ كِبْرِيَاءَهُ**» و عظمت خدا و کبریایی او را در جان خود محقق کن؛ یعنی عظمت الهی و حقارت خود را در برابر خدا ببین. «**وَ عَيْنُ بِقَلْبِكَ عِلْمُهُ يَا فِي ضَمِيرِكَ وَ** **اطَّلَاعُهُ عَلَى سِرِّكَ وَ مَا تَكُونُ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ وَ الْبَاطِلِ**» و با چشم دل خود ببین که خدا به آنچه که

در ضمیر تو پنهان است، آگاه است. این طور نیست که الان که تو به خدا می‌گویی خدایا! فلان چیز را به من بده، خدا قبل از اینکه تو بگویی، این نیاز را در درون تو تشخیص نداده باشد. نه؛ با چشم دل ببین که خدا بر درون تو آگاه است؛ از اسرار تو اطلاع دارد و باخبر است و خبر دارد که در درون تو چه چیز حق است و چه چیز باطل. «وَ اعْرِفْ طُرُقَ نَجَاتِكَ وَ هَلَاكِكَ» (اینها ادب‌های دعاست.) حضرت فرمودند برو معرفت پیدا کن؛ بشناس که راه نجات و رهایی تو کدام است و راه هلاکت کدام. بررسی کن ببین چه چیزی ممکن است تو را نجات دهد و رهایی بخشد و چه چیزهایی ممکن است تو را به هلاکت برساند و نابود کند. چرا؟ «كَيْلًا تَدْعُوَ اللَّهُ تَعَالَى بِشَيْءٍ عَسَىٰ فِيهِ هَلَاكُكَ وَ أَنْتَ تَنْظُرُ أَنَّ فِيهِ نَجَاتُكَ» به خاطر اینکه نکند یک وقت تو دعا کنی؛ خدا را بخوانی و از خدا چیزی را بخواهی که هلاکت تو در آن است، به گمان اینکه در آن چیز نجات توست. بعد حضرت از قرآن شاهد آوردند و فرمودند: «قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: "وَ يَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا"»^{۱۰} خدای متعال در قرآن می‌فرماید: انسان دعا می‌کند و در دعا برای خود چیز شر را از خدای متعال می‌خواهد، همان گونه که در دعا چیزهای خیر را می‌خواهد و انسان بسیار عجول است و شتابزده ابراز نیاز می‌کند. نمی‌رود فکر و بررسی کند، که اکنون که ثروت برای من و به کامم شیرین است، آیا این چیز شیرین مایه‌ی رشد من و رهایی‌ام از تعلقاتم هم خواهد بود یا منجر می‌شود به اسارت بیشتر و هلاکت من؟ پست و مقام، لذت و شیرینی و شهرت و خوش‌نامی‌یی که می‌خواهم (که طبیعتاً انسان‌ها میل به اینها دارند)؛ برو بررسی

^{۱۰}. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱۱.

کن، ببین آیا این چیز شیرینی نیست که اگر بخوری برای توی بیمار کشنده باشد؟ و اگر خدا به تو نداده است، به خاطر این بوده که مثل یک پزشک به تو پرهیز داده؛ چون برایت ضرر داشته است. بنابراین وقتی می خواهی دعا کنی، اول برو ببین به راستی چه به خیر تو است و چه به زیان تو است. هرچیز لذت بخش جذّاب ظاهری را از خدا نخواه. (اینها ادب های دعاست.) «وَتَفَكَّرْ مَاذَا تَسْأَلُ وَكَمْ تَسْأَلُ وَ لَإِذَا تَسْأَلُ» قبل از دعا کردن برو فکر کن. ببین چه چیزی را درخواست می کنی و برای چه درخواست می کنی و این چیزی را که می خواهی، برای چه می خواهی؟ برای خوشی دنیا می خواهی یا برای سعادت اخروی؟ برای خوش گذرانی و عیاشی می خواهی، یا برای تعالی و تکامل خودت؟ «وَكَمْ تَسْأَلُ» چه مقدار می خواهی؟ چه مقدار و به چه میزان از چیزی که درخواست می کنی برای تو خوب است؟ «وَلِإِذَا تَسْأَلُ» و برای چه می خواهی و درخواست می کنی؟ «وَالدُّعَاءُ اسْتِجَابَةٌ الْكُلِّ مِنْكَ لِلْحَقِّ» حضرت فرمودند اصل دعا و حقیقت آن باید به قصد اجابت فرمان خدا باشد؛ یعنی دعا که می کنی، اصلاً قصد اصلی تو این باشد که خدایا! امر کردی دعا کن، من می خواهم در دعا کردن اطاعت امر تو را به جا بیاورم. در مقام اجابت امر حق دعا کنید. «وَتَدْوِيبُ الْمُهْجَةِ فِي مُشَاهَدَةِ الرَّبِّ» و در دعا باید در مشاهده ی پروردگارت قلبت ذوب شود. هنگامی که دعا می کنی و با خدا حرف می زنی، باید خون عمیق ترین جای قلب تو که مُهْجَه است، ذوب شود. «وَتَرْكُ الْأَخْتِيَارِ جَمِيعاً» هرچه غیر خدا، و هرکس و هرچیز جز او را باید ترک کنی؛ یا اساساً اختیار و گزینش خودت را ترک کنی؛ آن را تحویل خدا دهی و بگویی خدایا! اختیار به کسی می آید که علم دارد؛ من جاهل که تشخیص نمی دهم چه چیزی برایم خوب است و چه چیزی برایم بد است؛ اختیار به من نمی آید و برازنده

شماست. من آمده‌ام تسلیم شما شوم. ارزش اختیاری که خدا به تو داده است به این است که آن را دو دستی تحویل خودش بدهی. بگویی خدایا! منی که فهم ندارم؛ جاهلم؛ اختیار داده‌ای به دستم؛ این اختیار را به‌ضرر خودم به‌کار می‌برم. خدایا! با همین اختیاری که به من داده‌ای و با آزادی و اختیار، اختیارم را آورده‌ام تحویل خود شما بدهم. مختار بودن به شما می‌آید که علم دارید؛ نه به من که جاهلم. من می‌خواهم تسلیم شما باشم.

«و تَرَكَ الْإِخْتِيَارَ جَمِيعاً وَ تَسْلِمُ الْأُمُورَ كُلَّهَا ظَاهِراً وَ بَاطِناً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى» و اینکه همه‌ی کارهای خودت، چه امور ظاهری و چه امور باطنی را تسلیم خدا کنی (اینها ادب دعاست). و بگویی خدایا! همان‌چه که خودت تشخیص می‌دهی، خوب می‌شماری و مصلحت می‌دانی را عملی کن؛ من از کجا می‌فهمم مصلحتم در چیست؟ بعد حضرت فرمودند: «فَإِنْ لَمْ تَأْتِ بِشَرْطِ الدَّعَاءِ فَلَا تَنْتَظِرِ الْإِجَابَةَ» اگر تو شرایط دعا را مراعات نکردی و به‌جا نیاوردی، انتظار اجابت نداشته باش. «فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفَى» چرا که خدای‌متعال هم از سرّ و خفی تو خبر دارد و هم از «أَخْفَى مِنَ السِّرِّ»^{۱۱} لایه‌هایی عمیق‌تر از سرّ تو، که آخفاست؛ حتی از آخفای تو هم خبر دارد. برخی چیزها سرّ انسان است و او به کسی افشا و برملا نمی‌کند؛ اما گاهی چیزی از آن سرّ هم مخفی‌تر است. حضرت فرمودند: خدا هم سرّهای تو را می‌داند؛ هم چیزهایی را که از سرّهای تو مخفی‌تر است؛ از همه‌ی آنها خبر دارد. اگر در تو روحیه‌ی تسلیم، واگذاری اختیارت به خدا و دعا کردن فقط به قصد فرمان بردن از امر خدا، که فرمود دعا کنید، نباشد؛ خدا در درون تو اینها را می‌بیند. «فَلَمَّا تَدْعُوهُ بِشَيْءٍ قَدْ عَلِمَ

^{۱۱}. مجلسی، بحار، ج ۸۸، ص ۲۸ و مجلسی، بحار، ج ۴، ص ۷۹ و صدوق، معانی‌الخبار، ص ۱۴۳ و عروسی‌حویزی، نورالقلین، ج ۳،

مِنْ سِرِّكَ خِلَافَ ذَلِكَ» نکند در دعایت بازی درمی‌آوری! نکند می‌گویی خدایا! مقامات عارفین را به من بده؛ به من کنج خلوتی برای عبادت بده؛ زندگی ساده‌ی زاهدانه‌ای به من روزی کن؛ اما ته دلت طالب شهرت و ثروتی و بازی درمی‌آوری! آن هم پیش خدا؟! پناه بر خدا! حضرت فرمودند: چه بسا خدای متعال ببیند تو چیزی را به زبان دعا می‌کنی، که در باطن ضدّ و خلاف آن را طالبی. حضرت فرمودند: **«قَالَ بَعْضُ الصَّحَابَةِ لِبَعْضِهِمْ أَتَمَّ تَنْتَظُرُونَ الْمَطَرَ بِالْأَدْعَاءِ وَ أَنَا أَنْتَظِرُ الْحَجَرَ»** یکی از صحابه به دیگران گفت (ظاهراً خشکسالی بوده است و مردم سراغ بزرگی رفتند و از او خواستند نماز باران بخواند. آن بزرگ گفت): نماز استسقاء و باران می‌خوانم؛ ولی بعد از این نماز شما چشم‌به‌راه آمدن بارانید و من چشم به راه فرو آمدن سنگ و عذابم. با این رفتارهایی که ما داریم، مستحقّ فرود آمدن بارانیم یا فرود آمدن عذاب؟ حضرت فرمودند: **«وَ اعْلَمُ أَنَّهُ لَوْ لَمْ يَكُنِ اللَّهُ أَمَرْنَا بِالْأَدْعَاءِ لَكَانَ^{۱۲} [لَكُنَّا]^{۱۳} إِذَا أَخْلَصْنَا الدُّعَاءَ تَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِجَابَةِ»** این را هم بدان که اگر امر خدا به دعا، که به ما فرمان داد دعا کنید، هم نبود؛ حتی اگر خدا چنین امری را هم نکرده بود، زمانی که ما خالصانه دعا می‌کردیم، خدا یقیناً با اجابت آن دعا نسبت به ما تفضل می‌کرد. **«فَكَيْفَ وَ قَدْ ضَمِنَ ذَلِكَ لِمَنْ آتَى بِشَرَائِطِ الدُّعَاءِ»** و این چگونه است درحالی که می‌دانیم خدا هم امر کرده که دعا کن و هم تضمین کرده است که دعا را اجابت کند. قرآن فرمود: **«أُدْعُونِي»** این امر؛ **«أَسْتَجِبْ لَكُمْ»**^{۱۴} این هم تضمین اجابت آن. امام صادق علیه السلام فرمودند: اگر خدا امر به دعا هم نکرده بود، آن قدر

۱۲. امام صادق علیه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۳۳.

۱۳. مجلسی، بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۲ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۷۲.

۱۴. سوره‌ی غافر، آیه‌ی ۶۰.

صاحب فضل عظیم است که اگر کسی خالصانه دعا می‌کرد، یقیناً اجابت می‌کرد. چه برسد به اینکه هم به دعا کردن امر کرده و هم اجابت کردن را تضمین کرده است. حضرت فرمودند: «وَسُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ» از پیغمبر اکرم ﷺ در مورد اسم اعظم خداوند سؤال شد؛ چون اسم اعظم چیزی است که اگر کسی بداند، می‌تواند همه‌ی خواسته‌هایش را با آن عملی کند. از حضرت رسول ﷺ سؤال کردند که اسم اعظم چیست؟ «فَقَالَ ﷺ كُلُّ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ» پیامبر ﷺ فرمودند: همه‌ی اسماء خدا اعظم است. مگر خدا اسم کوچک هم دارد؟ همه‌ی اسماء خدا اعظم است و سپس فرمودند: «فَفَرَّغْ قَلْبَكَ عَنْ كُلِّ مَا سِوَاهُ وَ اذْعُهُ [تَعَالَى] بِأَيِّ اسْمٍ شِئْتَ» قلب خود را از غیر خدا فارغ کن؛ که توجه و چشم‌امیدی به احدی غیر از خدا نداشته باشی؛ بعد با هر اسم که می‌خواهی خدا را صدا بزنی؛ هیچ فرقی نمی‌کند. «فَلَيْسَ لِلَّهِ فِي الْحَقِيقَةِ اسْمٌ دُونَ اسْمٍ» در حقیقت خدا اسمی جدای از اسم دیگر ندارد که یکی از آن اسم‌ها اسم خاص خدا باشد و اسم‌های دیگر اینگونه نباشند. حقیقتی که مسمای این اسم است، یکی است؛ ولو به اعتبارهای مختلف نام‌های مختلفی بر او نهاده‌اند؛ اما خود صاحب‌نام یکی است. اگر روی یک نفر چند تا اسم بگذارند؛ او را با هر یک از اسم‌ها صدا بزنند؛ شخصی که صدا زده می‌شود واحد است؛ ولو با نام‌های مختلف او را صدا کنند. یک‌وقت او را با نام کوچکش صدا می‌زنند؛ زمانی با نام فامیلی‌اش و گاهی هم با شهرتش؛ ولی در همه‌ی موارد فردی که صدا زده می‌شود، یکی است. «الله» را هم که می‌گویید، درست است؛ ذات مستجمع جمیع صفات کمالیه است؛ اما به آن حقیقت چه بگویید «الله»؛ چه بگویید «رحان»؛ چه بگویید «کریم» و چه بگویید «ودود»؛ یک نفر معین را صدا می‌زنید. اینگونه نیست که

مسمّای «کریم» شخصی باشد، مسمّای «ودود» فرد دیگر و مسمّای «الله» شخص دیگری. حقیقتی که قرار است به شما پاسخ دهد و اجابت کند، یک نفر است. اینها اسم‌های مختلف است. مثل آقایبی که یک اسم کوچک دارد و یک نام فامیل و در خانواده پدر است؛ نسبت به همسرش شوهر است و در محلّ کارش رئیس است. اینها اسم‌ها و اعتبارهای مختلف است و اعتباری است. مسمّای این اسم‌ها که چند نفر نیست؛ بلکه مسمّای همه‌ی آنها یک شخص واحد است. حضرت فرمودند: «فَلَيْسَ لِلَّهِ فِي الْحَقِيقَةِ اسْمٌ دُونَ اسْمٍ» در حقیقت خدا اسمی جدای از اسم دیگر ندارد. او مسمّایی است که «بَلْ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» بلکه در حقیقت او همان «هُوَ» است، که «الله» است، «واحد» است و «قهار» است. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ به حدیث دیگری از پیغمبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اشاره فرمودند (همه‌ی اینها در آداب دعاست): «وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ الدُّعَاءَ مِنْ قَلْبٍ لَاهٍ» پیغمبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: خدای متعال دعا را از قلبی که بی‌توجه است، اجابت نمی‌کند؛ یعنی شما به زبان چیزی را گفته‌اید؛ ولی اصلاً به خدا و اینکه چه از خدا می‌خواهید، توجه نداشته‌اید. چیزی را از خدا خواستید، که دقت و توجه در آن نبود؛ پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند خدا این دعا را اجابت نمی‌کند. «قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ لَا يَسْأَلَ رَبَّهُ إِلَّا أَعْطَاهُ فَلْيُبَاشِرْ مِنَ النَّاسِ كَلِمَةً» امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: هنگامی که یکی از شما می‌خواهد از خدا هیچ‌چیز درخواست نکند، مگر اینکه خدا درخواست او را عملی کند، باید از همه‌ی مردم یأس پیشه کند و قطع امید نماید و به احدی چشم‌امیدی نداشته باشد. اگر می‌خواهد همه‌ی دعا‌های او بدون ردخور اجابت شود، یعنی عبد مستجاب‌الدّعوه شود، رمز آن در این است که چشم‌امیدی به احدی نداشته باشد. اگر دعا می‌کنی و از خدا می‌خواهی، اما کنار

ذهنت هم این است که فلانی هم سفارش مرا کرده است؛ می‌گویی خدایا! این کار من عملی شود؛ ولی امید هم داری به اینکه فلانی هم همراهی کند؛ فلانی هم کارشکنی نکند؛ فلانی هم سفارش کند و امثال اینها، اینکه دعا نیست. دعا تنها از خدا خواستن است. باز تأکید می‌کنم در مورد بحث دعا حتماً به کتاب طیب‌عشق و ره‌توشه‌ی دیدار مراجعه کنید. وقتی شما از خدا و غیرخدا توأماً می‌خواهید، اصلاً دعا نیست. چنین چیزی نه اسمش دعاست؛ نه خدا امر به انجام آن کرده و نه اجابت آن را تضمین نموده است؛ لذا یکی از دلایل اجابت نشدن دعاهایمان همین است. یأس مطلق از خلاق؛ یکی از خلائق هم خودم هستیم؛ اینکه امید ببندم به زرنگی‌ام، تیزهوشی‌ام، معلوماتم، تخصصم، مهارتم، هنرمندی‌ام و امثال اینها. چه به خودم امید ببندم و چه به خلق امید ببندم؛ مثل پارتی‌هایم، همراهانم، حامیانم و امثال اینها؛ این اصلاً دعا نیست. امام صادق علیه السلام فرمودند زمانی که یکی از شما اراده می‌کند از پروردگارش درخواستی نکند مگر اینکه درخواستش اجابت شود، راهش این است که از همه‌ی خلق قطع امید کند. «و لَا يَكُنْ رَجَاؤُهُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» و امیدش هم جز به خدا نباشد و به احدی غیرخدا امید نبندد. «فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ مِنْ قَلْبِهِ لَمْ يَسْأَلْهُ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ» وقتی خدا از قلب او خبردار می‌شود که واقعاً به غیرخدا امید نبسته؛ امیدش تنها به خداست و نسبت به همه‌ی خلق قطع امید کرده است؛ آن وقت این بنده هیچ‌چیز از خدا درخواست نمی‌کند، مگر اینکه خدای متعال به او عطا می‌کند. سپس حضرت فرمودند: «فَإِذَا آتَيْتَ بِهَا ذِكْرَتَكَ لَكَ مِنْ شَرَائِطِ الدُّعَاءِ وَ أَخْلَصْتَ سِرِّكَ لِرُؤُوسِهِ فَابْتَشِرْ بِأَخْدِي ثَلَاثٍ» هنگامی که آنچه را از شرایط دعا برای نقل کردم، مراعات کردی و سرّ خودت را هم برای خدا خالص کردی، فقط متوجه به خدا بودی و به احدی غیرخدا نظر

نداشتی، در آن صورت بشارت باد بر تو به یکی از سه چیز: «إِمَّا أَنْ يُعَجِّلَ لَكَ مَا سَأَلْتَ» اولین این که خدای متعال بلافاصله چیزی را که درخواست کرده‌ای به تو بدهد. «وَإِمَّا أَنْ يَدَّخِرَ لَكَ مَا هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ» و ممکن است خدا ببیند چیزی که درخواست کرده‌ای، به خیر تو نیست؛ به جای اینکه آن را الان به تو بدهد، دعای تو را ذخیره می‌کند و چیزی را که به مراتب از خواسته‌ات پرفضیلت‌تر و ارزشمندتر است، برای تو مقدر می‌کند. «وَإِمَّا أَنْ يَصْرِفَ عَنْكَ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَوْ أَرْسَلَهُ عَلَيْكَ»^{۱۵} [إِلَيْكَ] ^{۱۶} لَهْلَكْتَ» و سومین چیزی که ممکن است خدا در قبال دعا برایت عملی کند، این است که به خاطر همین دعایی که تو کردی، بلایی را که به سمت تو می‌آمد و اگر خدا مانع آن بلا نشده بود، تو را نابود و هلاک می‌کرد، آن را از تو برمی‌گرداند. پس اگر دعا با شرایط آن به جا بیاید، یکی از این سه اثر را دارد: یا خدا بلافاصله آن خواسته را به او می‌دهد و اگر آن خواسته به مصحلت شخص نباشد، خدا چیزی خیلی بزرگتر از آن خواسته را برای او ذخیره می‌کند که به او بدهد؛ سوم هم اینکه بلای عظیمی را که به سمت دعاکننده می‌آمد و اگر به او رسیده بود، او نابود شده بود، خدای متعال به برکت دعایی که کرد، آن بلا را از او برمی‌گرداند. «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ قَالَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى مَنْ شَغَلَهُ ذِكْرِي عَنْ مَسْأَلَتِي أَعْطَيْتُهُ أَفْضَلَ مَا أَعْطَى لِلسَّائِلِينَ» امام صادق عليه السلام فرمودند: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند خدای متعال می‌فرماید: اگر یاد و ذکر من کسی را چنان مشغول کند که اصلاً درخواست کردن از مرا فراموش کند. مثل شخصی که به خانه‌ی طرف رفته بود تا از او چیزی بگیرد؛ اما طرف را که دید، محو او شد. آن شخص به قدری

^{۱۵}. مجلسی، بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۳.

^{۱۶}. امام صادق عليه السلام، مصباح الشریعة، ص ۱۳۴ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۷۲.

دوست‌داشتنی و دلربا بود، که محو جمال او شد و یادش رفت که من آمده بودم فلان چیز را از او بگیرم. اول راه خدا برای اینکه شکار کند، دانه می‌پاشد؛ یکی از دانه‌هایی که خدا می‌پاشد، حاجت‌ها و احتیاجاتی است که در زندگی ما ایجاد می‌کند: یکی پول ندارد؛ دیگری شوهر ندارد؛ مردی زن ندارد؛ شخصی بچه‌دار نمی‌شود؛ یک نفر کار ندارد؛ گرفتاری‌ها متنوع است. اینها دانه‌هایی است که خدا پاشیده؛ چون عقل ما نمی‌رسد که خدا چقدر خوب است، که به‌خاطر خود خدا سراغ او برویم. خدا این حاجت‌ها را داد؛ بعد هم گفت: می‌خواهی این مشکلات حل شود، بیا در خانه‌ی ما. ببین دانه پاشید. شما به‌خاطر این حاجت‌ها رفتی در خانه‌ی خدا را زدی، همین که خدا گفت «لَبَيْكَ عَبْدِي»؛ دیدی خدایا...! آن جمال چنان دل تو را برد، که هوش از سرت پرید. اصلاً خواسته‌ات را فراموش کردی و فراموش کردی که برای خواسته‌ای آمده بودی و مشکلی داشتی. به قول شاعر:

گفته بودم چو بیایی، غم دل با تو بگویم چه بگویم؟ که غم از دل برود چون تو بیایی
خدای‌متعال فرمود: کسی که یاد من و توجه‌به من سبب شود که او اصلاً درخواست کردن
از مرا فراموش کند، من به او چیزی عطا می‌کنم که افضل از همه‌ی چیزهایی است که به
کسانی که خواسته‌هایشان را از من درخواست کرده‌اند، داده‌ام. چون کسانی که آمدند
چیزهایی را درخواست کردند؛ مثلاً یکی پول خواست، به او دادم؛ دیگری شغل خواست،
به او دادم؛ شخصی مریض بود، مریضی او را خوب کردم؛ اما کسی که خواسته‌اش را
فراموش کرد، من چه به او دادم؟ خودم را به او دادم. دیدار خودم و آشنایی و صمیمیت با
خودم را به او دادم. این عطا از همه‌ی آن پول، شغل و امثال اینها افضل نیست؟ این

شخصی که یادش رفت چیزی از خدا بخواهد، خیلی بزرگتر گیرش آمد. چنان مشغول یاد حق شد، که حوائج و درخواست‌هایش را فراموش کرد. «قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ مَرَّةً فَأَسْتَجَابَ لِي وَ نَسِيتُ الْحَاجَّةَ» امام صادق عليه السلام فرمودند: یکبار من دعا می‌کردم، (گر چه اینها را در بحث دعا عرض کرده‌ام و نمی‌خواهم برگردم؛ ولی این نکته را یادآور شوم که دعا به معنای صدا زدن است؛ نه درخواست کردن. شما کسی را دوست داری، او را صدای می‌زنی. می‌گویی فلانی! او هم می‌گوید بله. این بله یعنی اجابت. به این صدا زدن دعا می‌گویند و آن بله گفتن را هم اجابت می‌نامند. الزاماً لازم نیست صدا زدن توأم با درخواست چیزی باشد. خدا آن درخواست را بهانه کرد تا بلکه ما برویم او را صدا بزنیم؛ یک «یا الله!» بگوییم؛ بعد او هم بگوید: «لَبَّيْكَ عَبْدِي». این «لَبَّيْكَ عَبْدِي» که گفت، اجابت است. اجابت فقط این نیست که چیزی را که مثلاً من به آن نیازمند بودم، به من داد؛ یا چیزی را که من می‌خواستم، به من داد. اجابت «لَبَّيْكَ عَبْدِي» است. امام صادق عليه السلام فرمودند: یکبار من خدا را صدا زدم، خدا هم اجابت کرد و فرمود: «لَبَّيْكَ عَبْدِي». «وَ نَسِيتُ الْحَاجَّةَ» لبّیکی که خدا گفت، سبب شد من چیزی را که احتیاج داشتم، فراموش کردم. حضرت فرمودند: می‌دانی چرا من امام صادق عليه السلام یادم رفت چه می‌خواستم؟ «لِأَنَّ اسْتِجَابَتَهُ بِاقْبَالِهِ عَلَيَّ عَبْدِي عِنْدَ دَعْوَتِهِ اعْظَمَ وَ اجَلَ مِمَّا يُرِيدُ مِنْهُ الْعَبْدُ» به خاطر اینکه این استجابت خدا؛ لبّیکی که می‌گوید؛ به بنده‌اش رو می‌کند و اقبال می‌نماید و به او می‌گوید: بله؛ چه می‌خواهی عزیز دل من! همین بله‌ای که خدا می‌گوید و این روکردن و توجهی که به عبد خود می‌کند، اعظم و اجلّ از چیزی است که عبد از خدا می‌خواست. «وَ لَوْ كَانَتْ الْجَنَّةُ وَ نَعِيمُهَا الْآبَدِيَّ» ولو اینکه این بنده در خانه‌ی خدا رفته بود بهشت و نعمت‌های جاودان الهی را از

او بخواهد؛ اما لبیک خدا از بهشت و زندگی سرشار از نعیم اخروی هم ارزشمندتر است. امیدواریم خدا این حقایق را به جانمان بچشاند و بفهمیم یعنی چه که لبیک خدا حتی از بهشت و همه‌ی نعمت‌های جاوید اخروی برتر است. دنیا و متاع قلیل دنیا که هیچ؛ اگر همه‌ی نعم جاودانه‌ی اخروی را هم روی هم بگذاری، به گرد پای یک لبیک از جانب خدا نمی‌رسد. لذت، شیرینی و حلاوتی که محبان الهی و عاشقان خدا از آن لبیک می‌برند، اصلاً با این قابل‌مقایسه نیست که خدا به این بنده توجه کرد و به او رو فرمود. خدا می‌داند این یعنی چه! حضرت فرمودند: «وَأَلَيْسَ^{۱۷} [وَلَكِنْ لَا]^{۱۸} يَعْقِلُ ذَلِكَ إِلَّا الْعَامِلُونَ الْمُجِبُّونَ الْعَارِفُونَ صِفْوَةَ اللَّهِ وَ خَوَاصَّهُ»^{۱۹} و لکن حقیقتی را که به شما گفتم؛ یعنی این را که ارزش رو کردن خدا و لبیک گفتن او حتی از بهشت و نعمت‌های جاودان اخروی هم بیشتر است، تعقل نمی‌کند و نمی‌فهمد، مگر کسانی که برخوردار از علم و آگاهی‌اند؛ دل‌سپرده و عاشق خدا هستند؛ عارفند؛ به معرفت رسیده‌اند و از بندگان برگزیده و خاص خداوندند. آنها کسانی‌اند که می‌فهمند یعنی چه و حقیقت درک را دارند. ما ممکن است الفاظ آن را تکرار کنیم؛ از روی آن بخوانیم؛ آن را ترجمه کنیم و بشنویم؛ اما این غیر از چشیدن و تجربه کردن آن حقیقت است؛ این چشیدن فقط در دسترس اولیای بزرگ خداست.

امیدواریم خدای متعال به برکت پیامبر و خاندان بزرگوار ایشان علیهم‌السلام و به حرمت خون به ناحق ریخته‌ی اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام و فرزندان برومند و برادران رشید ایشان علیهم‌السلام همین

^{۱۷}. امام صادق علیه‌السلام، مصباح‌الشریعة، ص ۱۳۴.

^{۱۸}. مجلسی، بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۳ و امام صادق علیه‌السلام، مصباح‌الشریعة، ترجمه‌ی مصطفوی، ص ۸۰.

^{۱۹}. امام صادق علیه‌السلام، مصباح‌الشریعة، ص ۱۳۲ و مجلسی، بحار، ج ۹۰، ص ۳۲۲ و محدث‌نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۵، ص ۲۷۱.

نکته‌ای را که بحثمان با آن پایان یافت، یعنی درک لذت اقبال و لبیک الهی، نصیب همه‌ی ما بفرماید. به برکت صلوات بر محمد و آل محمد:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ